

به نام خدا

ارزش علم شهودی

تألیف: دکتر محمد آزمون

انتشارات امیدمهر

سرشناسه	: آزمون، محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدید آور	: ارزش علم شهودی / محمد آزمون
مشخصات نشر	: مشهد: امید مهر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ ص .
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۴-۱۴۸-۳
موضوع	: شهود
موضوع	: انسان (عرفان)
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۵۷/ع۴ ۵/۱۵۷۴ DSR
رده بندی دیویی	: ۰۸۴۲/۹۵۵



انتشارات امید مهر

ارزش علم شهودی

مؤلف	 محمد آزمون
ناشر	 امید مهر
طرح جلد	 علی ارغیانی (آزمون)
صفحه آرای	 دفتر پویش / رستمی / ۲۲۳۰۵۱۸ - ۰۵۷۱
چاپ	 کامیاب
شمارگان	 ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	 اول - ۱۳۹۲
شابک	 ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۴-۱۴۸-۳
قیمت	 ۵۵۰۰ تومان

مشهد: ص. پ. ۳۳۳- ۹۱۷۵۵ انتشارات امیدمهر

تلفن و دورنگار: ۸۷۸۶۳۱۴ (۰۵۱۱) - همراه: ۰۹۱۵۱۷۱۰۳۶۰

فهرست مطالب

چکیده ۵	عقل ابزاری ۴۵
متدّمه ۷	آفات علم ۴۶
	نتیجه ۴۸

گفتار اول / مفاهیم علم

سیری در اندیشه ۱۲	عرفان ۵۲
حقیقت علم ۱۴	عرفان و برهان ۵۳
علم و عالم ۱۷	کشف عرفانی ۵۵
مفهوم علم ۱۷	نظرات مختلف در شناخت عرفانی ۵۷
تعریف علم و اقسام آن ۱۹	عوامل برتری معرفت عرفانی بر اندیشه‌ی
مفهوم فرهنگی علم ۲۱	عقلی ۶۲
علم و عالم در فرهنگ اسلامی ۲۲	نفس ۶۳
علم حصولی و حضوری ۲۴	معرفت نفس ۶۵
اقسام علم حضوری ۲۵	معرفت انسان ۶۸
ویژگی های علم حضوری ۲۸	منابع شناخت ۷۱
دیدگاه‌های مختلف در اصالت علم حصولی	منبع شهودی ۷۳
یا حضوری ۲۹	شدن های متقابل ۷۵
تفاوت وارث علم اکتسابی و علم	نسخه برداری دقیق خداوند ۷۶
حقیقی ۳۴	انسان شناسی شهودی ۷۷
دو مفهوم دینی و دنیوی از علم ۳۴	نقد روش عرفانی ۷۸
علم حقیقی، علم بی واسطه ۳۶	نتیجه ۷۹
زمینه های دست یابی به علم حقیقی .. ۳۸	
ایمان و تقوا ۳۸	
احسان به خلق ۳۸	
قصه حضرت موسی (ع) و خضر (ع) ۴۰	
العلم نقطه کثره الجاهلون ۴۰	
علم مفید» یا علم نافع ۴۱	

گفتار دوم / معرفت عرفانی

گفتار سوم / تجربه دینی

تجربه دینی چیست؟ ۸۲
انواع تجارب دینی ۸۷
سیر تاریخی تجربه دینی ۸۸

بعد معرفت شناختی و فلسفه‌ی تحلیلی	۸۹
مسئله «تجربه‌ی دینی»	۹۱
تجربه دینی نوعی احساس	۹۱
تجربه دینی نوعی تجربه مبتنی بر ادراک	۹۱
حسی	۹۲
تجربه دینی ارائه نوعی تبیین مافوق	۹۳
طبیعی	۹۳
عوامل ظهور تجربه گرایی دینی	۹۳
مشابهت‌های میان معرفت شهودی و	۹۳
تجربه دینی	۹۳
تمایزات تجربه‌های حسی، عرفانی و	۹۵
دینی	۹۵
تجربه‌ی دینی و امر قدسی	۹۵
آیا معرفت شهودی از جنس تجربه دینی	۹۸
است؟	۹۹
تفاوت وحی و تجربه‌ی دینی	۱۰۰
نسبت عقل و ایمان	۱۰۲
نتیجه	۱۰۲

گفتار چهارم/ دل جام جهان نما

ارزش کارها بر پایه نیت ها	۱۰۴
چیستی کتاب و حکمت	۱۰۵
ضرورت تقوا برای رسیدن به تعلیم کامل	۱۰۵
الهی	۱۰۷
مفهوم شناسی وجه الله	۱۰۸
دل، جام جهان نمای الهی	۱۰۹
لذت درپیمودن انسان سالک	۱۱۲
روش تحصیل دانش	۱۱۴
علم و دین	۱۱۴

گفتار پنجم/ علم شهودی

دانش تجربی	۱۰۱۶
جهت‌داری علوم	۱۶۹
نتیجه	۱۸۱
نقش شهود در نظریه‌های علمی	۱۳۴
نقش شهود در نظریه‌های علمی	۱۳۸
مسیر تاریخی علم شهودی	۱۳۳
ظرف زمان در علم شهودی	۱۳۶
روش افزایش علم شهودی	۱۳۷
علم غیب و خداوند شاهد و شهید	۱۳۸
شاهد مطلق	۱۳۹
کشف و شهود	۱۴۰
از انکار تا امکان و وقوع مکاشفه	۱۴۴
زمینه‌های مکاشفه	۱۴۶
آثار کشف و شهود	۱۴۷
تبیین مکاشفه در سخنان بزرگان	۱۴۷
صوفیه	۱۵۰
تفاوت وحی با کشف و شهود چیست؟	۱۵۰
چرایی تساوت و تعدد مراحل، منازل و	۱۵۳
مقامات عرفانی	۱۵۵
قرآن، معیار و شاخص کشف و شهود	۱۵۶
نسخه عرفانی	۱۵۶
تحصیل دانش رشدی، جهاد کبیر	۱۵۷
تسلط بر جهان با علم	۱۵۷
معرفت زایی مکاشفه	۱۵۹
راه تحصیل و حفظ علم شهودی	۱۵۹
ارزش علم شهودی	۱۶۰
نتیجه	۱۶۵
منابع و مأخذ	۱۶۷

تقدیم:

روح رفیع مادر فداکارم آن زحمتکش بی ادعا به مناسبت اولین سالگردش و تمامی حق داران که امید است مشمول رحمت واسعه الهی واقع گردند و ما را نیز از دعای خیر بهره مند نمایند. و همچنین یاد بود والدیم مرحوم حاج شیخ عباس آزمون و تشکر از پسر عموهای ارجمندم که با سرودن هائی در خصوص ویژگی هایش سطور ذیل را آراسته اند.

آزمون را آزمونی دیده ام	راه را از چاه از او پرسیده ام
مادرش عباس میخواندی ورا	عالمی بُد خیر خواه و با صفا
گرنُبدعم من اندر پیش من	دست چپ از راستم کی بُد غلن
عالم و آگاه می دیدم و را	مصلحت اندیش اندر کارها
بود او در بیہق اندر مدرسه	یک فقیہ و عالم اندر ہندسہ
ہست بردوشم دودست خالیم	بردعای خیرشان محتاجیم

محمد ارغیانی (عبدالله)

در زمان حال باشد فضل تو اقبال ما
شکر نعمت ها برایم مقتضای ہمت است
بہرہا بردند نیکان از کمال و فضل تو
چون بدم خُرد و کمین رسمِ بی آلائی تو
کز ہمین انعام نیک من کنم او را بہ یاد
بارہا خوب بود دنیا از او پرسیدمی

محمد ارغیانی (علی اکبر)

آزمون ای عابد خوش نام ہم گمنام ما
آزمونا ذکر ایامت سراسر نعمت است
من نبودم در کنارت تاکنم طاعت ز تو
در زمانت اندکی کمتر بدیدم فعل تو
والدیم گفتا ہرچہ دارم از بر استاد یاد
در بساطش خرمی از فضل و دانش دیدمی

و در مضمون مفہیم این اثر اخوی ارجمندم بدین گونه سرودہ اند:

علم را بنگر کہ در بین بشر	بس تفاوت ها بود با یکدگر
آن یکی با علم کم بیند ثمر	وان دگر با علم بالا بی اثر
آن کہ با دانش ہنر پرور بود	از علوم و ہنیش آخر بود
علم عالم گر بود مشکل گشا	این نشانی ہست از لطف خدا
تا توانی آزمون از این ر و ش	پیروی کن تانمانی از جہش

(محمود آزمون)

باسپاس فراوان از اساتید، دانشمندان، صاحبذلان، اقوام، دوستان و آشنایان کہ مشوق این جانب در کسب فضایل علمی و اخلاقی بودہ و می باشند.

چکیده

علم راه‌رچه ژرف‌تر بکاویم، بیشتر می‌بالد و قد می‌کشد.^۱ «و این علم در گذشته ناقص بوده ولی به تدریج در طریق کمال سیر می‌کرده و قابل رسیدن به کمال بوده است. بطور قطع علم امروز ما عمیق‌تر و غنی‌تر است ولی همین وصف درباره‌ی آن نیز صدق می‌کند یعنی ناقص است و قابلیت آن را دارد که به کمال برسد.»^۲ شعور متعارف هم اکنون نیز در علم ادامه دارد و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. زیرا اطلاعات ما از جهان همچنان از واقعیت مطلق فاصله دارد و دانشمندان هر دوره ضمن تلاش برای رسیدن به سطح بالاتری از ادراک جهان، به طور اجتناب‌ناپذیری درگیر عقاید پذیرفته شده جاری و شعور متعارف می‌شوند و حتی برخی مسائل را به طور شهودی بررسی و کشف می‌نمایند که نتایج آن بعدها به توسط تجربه بررسی می‌شود. انسان در شناخت هستی و دستیابی به حقیقت دو وسیله در نهاد خویش و دو راه پیش روی خود دارد، عقل و دل. برهان و کشف، برخی راه برهان را اختیار کرده و شهود را به سبب نداشتن استدلال بی‌ارزش دانسته و برخی هم شهود را به سبب حضوری بودن آن بر برهان برتری داده‌اند. و طرفداران این دو روش در طول تاریخ به یکدیگر نیز تنه زده و هر یک سعی در سبقت از دیگری بوده‌اند اما حکیمان مثلاً با پژوهش‌های خود در فلسفه و عرفان توانستند این مطلب را اثبات کنند که عقل و دل اگرچه روشی جدای از هم دارند اما مقصدشان یکی است و تفاوت یافته‌های آن دو را به شدت و ضعف دانستند. از این رو برهان و کشف را نیازمند یکدیگر دیده و کمال هر یک را به دیگری دانسته و توانستند بنیان محکمی برای شناخت هستی بنا نهند. دانش و معرفت زنجیروار بر پایه یافته‌های شهود انسانی روشمند شده و شکل منسجم و متحدی به خود می‌گیرد و توسعه می‌یابد. «در رشد و توسعه روشهای علمی مدرن دوره فطرت وجود ندارد. علم باسیر تحولاتش، بیش از پیش روشمند شده و عقلانیت مدرن، حال و وضعی دائمی و مستمر پیدا می‌کند و تکثر روشها به وحدت علم نمی‌تواند آسیب برساند»^۳ و تحقیق شقوق در علوم بخاطر جهالت انسان در برابر عالم مطلق است. در اینجا نوعی تحلیل تاریخی از روش و چگونگی تأثیر آن در پیدایش نظریات مختلف و مسائل مرتبط با آن حتی الامکان بیان شده است و بر توجه به جامعیت روش تأکید می‌کند چرا که انسان وجودی

^۱ گاستون، باشلار، معرفت‌شناسی، ترجمه جلال ستاری، ص ۱۸۷

^۲ سارتون، جورج، تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، ص ۱۶

^۳ گاستون، باشلار، معرفت‌شناسی، ترجمه جلال ستاری، ص ۱۸۸

یگانه و هماهنگ است. مطلبی که قصد پرورش و اثبات آن را داریم این است که توجه به روش از همان آغاز به گونه‌ای اساسی در فرایند تولید دانش مؤثر واقع گردیده و تاکنون به پیدایش مکاتب متعدد فکری در زمینه‌های گوناگون منتهی شده است. و از آنجا که علم و معرفت شهودی، متناقض نیستند، اینها، صورتهای متفاوت روند واحد شناخت و مرحله‌های متفاوتی از آن هستند. اما این وجود، انصراف از بخش‌هایی از روش نیز کاستی‌هایی را در پی داشته است. چه روشهای حسی، تجربی، عقلی و شهودی بدون معیار صحیح از علم حقیقی انسان فاصله گرفته است. و ما با رویکرد تاریخی و از راه تحلیل تحولات علمی از گذشته تاکنون به اثبات ارزش علم شهودی، مبادرت می‌ورزیم. خداوند دست یابی به دانش رشدی را جهاد کبیر می‌داند؛ بویژه اگر این دانش افزون بر خودسازی برای جامعه سازی و تمدن سازی مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا کسی که به دانش رشدی در هر مرتبه و درجه دست یابد، این امکان را می‌یابد تا ضمن روشن کردن حقایق و راه کمال، شبهات و مشکلات و مسایل خود و جامعه را بدان حل کرده و با ارایه راهکارهای بیرون رفت از مشکلات و معضلات فردی و اجتماعی، انسان‌ها و جوامع را به سوی کمال هدایت کند.^۱

از آنجا که یک پژوهش کارآمد باید دارای سه ویژگی ارتقای دانش، افزودن به زبان جهانی و حل مشکلی علمی باشد، ما با توجه به بضاعت خود سعی نموده ایم تعاریف مورد نیاز و دیدگاههای مختلف را در این مجموعه تألیف نموده و ارزش علم روشنی بخش را در برابر مفاهیم مرتسمه ذهنی که محصول وهم و خیال است تبیین نمائیم و بگوئیم چگونه ممکن است انسانی امی سالکی روشن بین و راه شناس باشد و عالمی با مدارک و مدارجی علمی در ظلمتی بی فروغ گمراه گردد. طبیعی است که دیدگاه ما نادیده گرفتن ارزش حسن و تجربه نیست که امروز جهان را به پیشرفت خارق العاده تکنولوژی نائل گردانیده است. ما می‌خواهیم قبل از آمایش سرزمین خود و جهان سرسبزی‌های داخلی وجود خود را شناسایی نمائیم و با تعقل و خردورزی تمامی امکانات موجود را در جهت رشد حقیقی استفاده نمائیم.

مقدمه

به جرأت می توان گفت علی رغم گام های بلند علمی و عملی که دانشوران بزرگ دینی ما برداشته اند و میراث فرهنگی سترگی که از خود برجای نهاده اند، تاکنون تحقیق جامعی که جایگاه هر یک از این شیوه ها را از نظر عقلی و نقلی مورد بحث قرار دهد و موضوع را از جنبه نظری به بداهت برساند، صورت نگرفته است و کتاب جامعی در مبحث "ارزش علم شهودی" به رشته تحریر در نیامده تا بتواند پیچیدگی ها و غوامض این گستره حساس معرفتی را گره گشایی کند. تحصیلات علمی مقدمه ای برای دستیابی انسان به مطلق علم است، اما آن نور - یعنی همان چیزی که مطلوب است - خود چیز دیگری است و از قبیل امور چشیدنی است که دارایی انسان محسوب می شود. برای تقریب این معنا به ذهن، مثالی می آوریم: فرق است میان خوراک لذیذ و لذت. ولی مقدمه دومی است، اما ضرورتاً چنین نیست که هر گاه خوراک لذیذ فراهم باشد لذت هم تحقق یابد مثلاً چنانچه کسی در کنار سفره ای بنشیند که در آن لذیذترین خوراکی ها وجود دارد لیکن ذهن او مشغول باشد و در عالم خود سیر کند یا درد شدیدی چنان بر وی فشار آورد که نتواند چه می خورد، آیا چنین شخصی از خوردن لذت می برد هر چند غذایی که در برابرش نهاده شده است لذیذ باشد. بر عکس، شخصی که گرسنه و قانع و آسوده خاطر باشد ممکن است از خوردن غذای ساده ای مانند نان و پنیر هم لذت زیادی ببرد. پس، همان طور که این لذت ممکن است از طریق غذای لذیذ حاصل شود، ممکن است حاصل نشود، بلکه از یک غذای ساده این لذت به وجود آید، علم هم همین طور است. چه بسا که انسانی با معلوماتی عالم شود که شخص دیگری با داشتن معلوماتی بیشتر از او به مرتبه عالم بودن نرسد. یعنی بی سواد حقایقی را در خشت خام ببیند که با سواد با درجات علمی بالا آن را حتی در آینه هم نبیند چرا که از هوای نفس خود پیروی کرده و این امر تمام علم او را ربوده بدون آن که خودش آن را بداند. اگر چنین چیزی برای انسان حاصل شود، معنایش آن است که آن نور هنوز حاصل نشده است، و معلومات او نیز، همانند پول و قدرت و... فقط قدرت و توانایی محدود می باشند. همان گونه که قدرت و پول برای صاحب خود موقعیت و شخصیت خصوصی ایجاد می کنند، شخص دارای معلومات - و کسی که اصطلاحاً و مجازاً به او «عالم» اطلاق می شود - اگر آن نوری که به تعبیر احادیث شریف «خدا آن را در دل هر کس بخواهد می افکند» در وجود وی نباشد، نیز همین وضع را خواهد داشت. خواست خدای سبحان هم بی سبب و اتفاقی نیست؛ چرا که خدای متعال چیزی را بی مرجع نمی خواهد؛ چه او به همه

جهات احاطه علمی دارد و بر هر کاری تواناست. «وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ»^۱ کسی که خدا برایش نوری قرار ندهد او را نوری نخواهد بود. برای تحصیل آن نور بکوشیم؛ زیرا معلومات، به تنهایی، ممکن است باعث غرور در انسان بشود. و باید بدانیم که غرور و نور علم با هم جمع نمی‌شوند. پس، باید با غرور در وجود خودمان بجنگیم و برای خدای سبحان که عالم مطلق است فروتن باشیم. روش شناخت حقیقت از مسائل اساسی در حوزه‌ی دانش پژوهی است که در پرتو تنوع علوم صورت‌های مختلفی پیدا کرده است. بی‌گمان، مشاهده و ادراک حسی اساس دانش ما پیرامون جهان، انسان و خدا را تشکیل می‌دهد؛ بزرگان دین نیز بر این مطلب تصریح کرده‌اند که حتی اعتقادات نیز بر حس و مشاهدات استوار است.^۲ منتها عنصرناشناخته‌ای به عنوان خلاقیت ذهنی در انسان هست که اغلب معرفت شهودی رادبرمی گیرد.^۳ وجه بسا باآموختن آن خیرکثیرشامل شود و انسان در راستای حق بینی واقع گردد. مادراینجا نمی‌خواهیم انسانهای جامعه‌ی امروز را متوجه تصوف نمائیم که نه تنها قادر به حفظ موقعیت خود در متن جامعه نیست بلکه درحواشی آن نیز ملحوظ نمی‌باشد. می‌خواهیم ذهن انسان را فرا تر از آنچه می‌داند سوق دهیم و دانسته‌های حقیقی و غیر آن را باز شناسی نماییم. هر انسانی می‌بایست در مسیر کمال خواهی خود، علم حضوری و شهودی را کسب کند؛ زیرا اگر علم حضوری تحقق نیابد، انسان دارای هیچ چیزی نخواهد بود و شرافتی برای او نیست. از این رو ارزش هر انسانی به میزان علم شهودی و حضوری است که او دارا می‌شود. واین دارائی عالم که توئم باعمل اوست دارای ارزش و شرافت ذاتی است. «خداوند از انسان ها می‌خواهد تا با بهره‌گیری از ابزارها و منابع شناختی، از علم حصولی بهره‌مند شوند و با عبودیت و بندگی آن را به علم حضوری تبدیل کنند و یقین و کشف را تجربه نمایند، به گونه‌ای که همه معلومات حصولی شان به شکل معلومات حضوری، مشهود و مکشوف آنها شود»^۴. یقین داریم روزی بشر تمدن خواه و حقیقت جو به اهمیت علم حقیقی وقوف حاصل خواهد کرد و از علوم جزئی و فرعی که خود را بدان مأنوس و سرگرم ساخته است به علم کلی و علم اعلی- که شریفترین علم به شریفترین معلوم است- دلالت خواهد گردید. زیرا او به حکم

^۱ نور، آیه ۴۰

^۲ حلی، الحسن بن یوسف، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۴۰

^۳ شهریار، پرویز، دانش و شبه دانش، ص ۱۹۴

^۴ حجر، آیه ۹۹

گریزه و فطرت، درجهت حقیقت جوئی و تکامل است.^۱ و ما نیز وظیفه داریم که در تسریع این تحول و استکمال کوشش کنیم. فرزانه ایرانی در ماللهند می گوید کار دانش رهنانیدن انسان است، دانش باید مفهومی کلی را دربر بگیرد، بتواند درست را از نادرست جدا کند و وابسته به استقراء و استنباط سطحی و غیر علمی نباشد تردیدها را برطرف کند و به یقین نزدیکتر شود.^۲ توجه ما به خارج از خود و گمان اینکه آنچه می یابیم، در خارج از خود می یابیم، ما را از توجه به «مثال» خویش، غافل گردانده است و همچنین، مشغول بودن ما به خارج، ما را از عالم عقلانی و مرتبه تجرد خویش غافل و دور ساخته و از مرتبه نورانیت - که موطن شهود است محبوب گردانیده است.^۳ بنابراین انسان امروز نیازمند زندگی نرمال و سیر حقیقی در آفاق و انفس دارد نه چنان متوجه خارج از «خود» گردد که بیگانه با «خود» گردد و نه چنان در خود فرو رود که واقعیت های بیرون را پشت گوش اندازد. آفاق و انفس پراست از فرصت ها و می توان آنها را به ثروت های مادی و معنوی تبدیل نمود، انسان وقتی در عرضی کائنات هستی و مسیر تقرب به خدا حرکت نمود تمام تمهیدات «من حیث لا یختص»^۴ برای او فراهم می شود و هراسانی می تواند کتاب زندگی خودش را بنویسد و از آن یک شاهکار بسازد. از طرفی تاثیر فرهنگ غرب انسان عصر ما را دائم به گرایش های ضد انسانی و سوسه می کند و ذهن او را از توجه به آنچه در ماورای زندگی حقیر روزانه قابل تصویری رسد غافل و منصرف می دارد. امید است طرح این مباحث ما را از انحطاط و یاس و واماندگی که فلسفه های بیمارگونه غربی آن را القاء می کنند برهانند و تاحدی به افق های روشن تر و وسیع تر یک انسانیت و الاثر سوق دهند و ما را متوجه قابلیت نامتناهی وجودی خویش نمایند و بتوانیم با مدیریت خود خویشتن را شکوفا نماییم. و ما در اینجا بحث کلامی «ارزش علم شهودی» را درباره حقایق توصیفی دین با سه روش تاریخی، پدیدارشناسی و معرفت شناختی پی می گیریم. علم دستگاه دائم الرشیدی از دانش بشری است که از رهگذر تأملات و نظرات و بیشتر از آن از تجربه و عمل جمع کثیری از اندیشه و دان و تجربه گران حاصل آمده است. علم در هر زمان حاصل مجموعه دست آوردهای علمی در طول تاریخ گذشته است.^۵

^۱ حائری یزدی، مهدی، علم کلی، ص ۸

^۲ شهریار، پرویز، دانش و شبه دانش، ص پشت جلد

^۳ کاشفی، محمدرضا، خداشناسی: پرسش ها و پاسخ ها، ص ۳۴

^۴ طلاق، آیه ۳

^۵ برنال، جان دزموند، علم در تاریخ، ترجمه: حسین اسد پور و کامران فانی، جلد ۱ و ۲، ص ۴۰